

نشاندند بود و پسر خود ابراهیم را بران چه جبرئیل علیه السلام فرود
آمد و گفت خدای تعالی این هر دو را از برای تو جمع نخواهد کرد
یکی را از تو باز خواهند گشت اکنون تو اختیار کن رسول صلی الله علیه
فرمود اگر حسین و فاطمه کنی بر فراق وی هم جان من بسوزد و هم فاطمه
علی و فاطمه و اگر ابراهیم بود بیشتر الم بر جان من باشد مگر الم خورشید را
اختیار کردم بر الم ایشان و بعد از سه روز ابراهیم وفات کرد و
که حسین پیش پسر صلی الله علیه و آله آمدی و بر او بود دای و گفتی ای
و در جابن خفته با بنی ابراهیم ام سلمه رضی الله عنها گفته است که
شبی رسول صلی الله علیه و آله از خانه بیرون رفت و بعد از آن
در آن زمان آمد زولیده سوی و غبار آلوده و چندی در دست گرفته
گفتم یا رسول الله این چه حالت که بر تو مشاهده می کنم فرمود که ای
مرا ببین برودند از عراق که آنرا کربلا گویند و جای شرف حسین و
جماعتی از فرزندان من بن نمودند و من خونهای ایشان را بری چیدم
و اینست در دست من و دست بشود و گفت این را بستان و نگاه
دار زیرا آنرا بستم فاک بود سرخ آنرا در شیشه کردم و پسر آنرا حکم
برستم چون حسین بن علی بسفر عراق بیرون رفت آن شیشه را بر
بیرونی آورد و نگاه می کردم وی که ستم چون روز دهم عزیم
رسید اول روز آنرا نگاه کردم برقرار بود باز در آخر روز
نگاه کردم آن خاک در آن شیشه خردن تازه گشته بود در آن ستم

گفته

گفته اند بسیار بگریستم آنقدر فرود گفتم تا دشمنان بزودی شکست
نکنند چون خبر شهادت وی آمد سواقی همان روز بود و قهقاروت
وی روز عاشورا بوده است روز شنبه سده امدی و شنبه الم هجرت
و مدت عمر وی پنجاه و هفت سال و پنج ماه و از عایشه رضی الله عنها
آوردند که روزی رسول صلی الله علیه و آله با جبرئیل علیه السلام صحبتی
علی رضی الله عنها بر ایشان در آمد جبرئیل پرسید که این کیت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که پرسیدند و در برابر گنا خود نشاندند جبرئیل
گفت زود باش که ویرا بکشند رسول صلی الله علیه و آله پرسید که ویرا
که گشت جبرئیل گفت که انت تو اگر خواهی ترا بگویم که در کدام زمین
خواهند گشت پس جبرئیل علیه السلام اشارت بجای کربلا کرد و قدری
خاک سرخ گرفت و بر رسول صلی الله علیه و آله بمزد و گفت این از خاک
منزل و است و از امام زین العابدین رضی الله عنه آوردند که فرموده
است که در وقت توبه بگو در هیچ ضربی فرود نیامدم و کوچ کردیم
مگر که امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه ذکر یکی بن زکریا علیه السلام
کرده باشد یک روز فرمود که از غواری ذریه ابقاری دنیا آنت که
سرخ می بن زکریا را علیها السلام زنی نا بکار از نا بکاران بنی اسرائیل
هدیه فرستادند سعید بن جبیر از ابن عباس رضی الله عنهما روایت
کرده است که وی گفت که رسول صلی الله علیه و آله وی آمده که بگفت
قل یکی بن زکریا متفاد دهن را کسی را گفتم و برای فرزندان دو بار